

مدیریت آموزش در مدارس اسلامی با تکیه بر نمونه‌ی مدارس نظامیه

کوروش گوهریان

چکیده

تأسیس مدارس نظامیه با برخی ویژگیهای انحصاری در آغاز نیمه‌ی دوم قرن پنجم، توسط خواجه نظام‌الملک طوسی - وزیر سلجوقیان که خود از علما و نویسندگان آن دوره به شمار می‌رفت - تحولی در امر مدیریت آموزش علوم اسلامی ایجاد نمود که به عنوان نقطه‌ی عطفی در تاریخ اسلام از جهات مختلف قابل بررسی است. تأثیرات مختلف علمی، اجتماعی و مذهبی این مدارس؛ ناشی از اهداف، ساختار، ویژگیها و مدیریت خاص آنهاست.

در این مقاله سعی شده است تا شیوه‌ی مدیریت در این مدارس، ضمن بیان اجمالی پیشینه، ویژگی و تأثیرات نظامیه‌ها (به خصوص نظامیه‌ی بغداد) توضیح داده شود. براین اساس، نخست به عنوان مقدمه، سابقه‌ای از مراکز علمی - آموزشی در بلاد اسلامی تا پیش از تأسیس نظامیه‌ها و همچنین اوضاع سیاسی، اجتماعی بلاد اسلامی

همزمان با تأسیس این مدارس ذکر شده است. در ادامه ضمن معرفی بانی و مؤسس نظامیه‌ها؛ به اهداف و نحوه‌ی مدیریت وی و معرفی نظامیه‌های مشهور پرداخته‌ایم و ویژگیها و ساختار آنها را با تکیه بر اطلاعات موجود از نظامیه‌ی بغداد مورد بررسی قرار داده‌ایم. در پایان نیز با جمع‌بندی مطالب، به تأثیرات مثبت و منفی مدارس نظامیه اشاره کرده‌ایم.

واژگان کلیدی

مدیریت، آموزش، نظامیه، نظام‌الملک، نظامیه‌ی بغداد، مدارس اسلامی.

سابقه‌ی ظهور مراکز علمی آموزشی در اسلام

ظهور اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان - که ساکنان آن را عرب جاهلی می‌نامیدند - منشأ پیدایش تمدن اسلامی در کنار تمدن‌های ایران و روم گردید که یکی از مظاهر و دغدغه‌های آن، مسأله‌ی توجه به علم و آموزش آن بود.

مکتب اسلام، چه در نزول قرآن بر پیامبر و چه در احادیث و روایات فراوانی که از سرسلسله‌ی پاکان امت اسلام و سلاله‌ی معصوم ایشان به یادگار مانده، بر لزوم و ضرورت تحصیل و کسب علم بارها عنایت داشته است.

لذا به نظر می‌رسد لازم باشد پیش از بحث پیرامون مدارس نظامیه، مروری اجمالی بر امر آموزش و مراکز علمی در چند قرن نخست ظهور اسلام تا تأسیس نظامیه‌ها داشته باشیم.

عرب جاهلی - که تنها افتخار فرهنگی وی به شعر جاهلی و معلقات سبعه باز می‌گردد - با ظهور اسلام تحولی شگرف پیدا کرد. از آن جا که دین اسلام، دین ارشاد و تعلیم بود، از همان ابتدای ظهور، مبلغان دینی با تشکیل حلقه‌هایی از جماعت به معرفی اسلام و ارشاد مسلمانان می‌پرداختند. با پا گرفتن مساجد به عنوان مرکزی مقدس برای تجمعات و انجام مناسک و مراسم مذهبی، رفته رفته حلقه‌های ارشاد و آموزش در مساجد شکل گرفت و عالمان دینی از این طریق به آموزش علوم دینی، تفسیر قرآن و تدریس حدیث و نظم و نثر عربی مشغول شدند.

این نخستین تجربه‌ی مسلمانان در امر آموزش دسته جمعی در یک مکان خاص، گرچه بعدها به عنوان مبنا و اساس آموزش اسلامی مورد توجه قرار گرفت؛ در تعامل با دیگر کشورها و ملتها - که به مدد توسعه‌ی اسلام ایجاد شد - روشمندتر و اصولی‌تر پیگیری گردید.

یکی از ویژگیهای حلقه‌های درس در مساجد، همزمانی آموزش و تبلیغ اسلام بوده است، چراکه علاوه بر تحصیل علوم اسلامی و ادبی، تبلیغ لازم فرهنگی و سیاسی نیز با توجه به جایگاه مسجد در نزد مسلمانان، صورت می‌گرفته است.

اختیاری بودن شرکت در هر یک از این حلقه‌ها نیز از دیگر ویژگیهای این نوع آموزش بوده است؛ به طوری که طلاب براساس اشتهاار معلمان و گویندگان هر حلقه، به درس وی رو می‌آوردند. این امر باعث می‌شد که در بعضی حلقه‌ها، تعداد طلاب بیشتر باشند، لذا حلقه‌ی بزرگتری تشکیل گردد و در برخی دیگر به دلیل استقبال کمتر طلاب، حلقه‌های کوچکتری شکل گیرد.

با افزایش این گونه حلقه‌ها در مساجد بزرگ شهرهای اسلامی و افزایش گویندگان و وعاظ و با توجه به امکان مسامحه و سهل‌انگاری در کیفیت آموزش - به خصوص نقل حدیث و تفسیر - ناظرانی برای کنترل کار ایشان از طرف خلفا و حکما گمارده شد و این اولین گام در راه ساماندهی آموزش در اسلام به شمار می‌رفت.

با گسترش امر آموزش، مساجد از لحاظ ساختار معماری نیز تغییراتی به نفع این امر پیدا کردند؛ بدین صورت که حجره‌هایی برای طلاب و اساتید آنها به عنوان محل تشکیل جلسات درس و بحث ساخته شد که هنوز هم نمونه‌های بسیاری از این گونه مساجد در ایران و سایر ممالک اسلامی به چشم می‌خورد.

بدین طریق در چند قرن نخست ظهور اسلام؛ مدرسه و مسجد، علی‌رغم تفاوت مفهوم لغوی، غالباً از نظر مصداق مترادف بوده‌اند. حتی مساجدی همچون جامع‌الازهر مصر از جنبه‌ی مذهبی و عبادی ویژه خارج شده، به صورت کانون بزرگی برای تعلیم علوم دینی درآمدند. در ایران بعد از اسلام نیز وضعیت همین گونه بود، با این تفاوت که مرکزیت آموزش زودتر از سایر ممالک اسلامی به مدارس انتقال یافت.

۲ - مدارس ایرانی بعد از اسلام^(۱)

همان گونه که ذکر شد، ایرانیان مسلمان در ایجاد مدارس و یا مراکزی شبیه مدرسه، از دیگر ملت‌های اسلامی پیشقدم‌تر بوده‌اند؛ نقطه عطف این

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک. به: اسلام و تعلیم و تربیت، دکتر سید محمدباقر حجتی، صص ۱۹-۳۴ و تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، جلد دوم.

تلاش علمی، تأسیس مدارس نظامیه است. لذا استادان تاریخ برای بررسی بهتر سیر تاریخی مدارس اسلامی، آنها را به دو دوره‌ی پیش از نظامیه و پس از آن تقسیم می‌کنند.

از تعداد و ویژگیهای مدارس ایرانی پیش از نظامیه اطلاع کاملی در دست نیست، اما آنچه به یادگار در کتب پیشینیان به طور جسته و گریخته ضبط و به دست تاریخ سپرده شده است، حاکی از تعداد این مدارس در خراسان، به ویژه نیشابور است. تعدادی از مهمترین این مدارس در شهر نیشابور عبارت بوده‌اند از:

- مدرسه‌ای که به نام «ابوعلی حسین بن علی» ملقب به حافظ کبیر و امام نیشابوری (م. ۳۹۳ ه.ق) فقیه شافعی تأسیس گردید.

- مدرسه‌ی بیهقیه که به نام «احمد بن حسن بیهقی» (۴۵۸-۳۸۴ ه.ق) بنا شد. غزالی در این مدرسه نزد ابوالقاسم اسکاف اسفراینی، علم اصول را تحصیل کرد.

- مدرسی که برای تدریس و وعظ «محمد بن حسن انصاری» ملقب به ابن فورک (م. ۴۰۶ ه.ق) و «ابو اسحاق اسفراینی» (م. ۴۱۸ ه.ق) بنا گردید.

- مدرسه‌ی سعیدیه که توسط امیر نصر بن سبکتکین (برادر سلطان محمود) در زمان ولایت وی بر نیشابور تأسیس گردید.

- مدارس دیگری همچون «معیدیه» و «صابونیه» و...

علاوه بر مدارس متعدد در شهر نیشابور، مدارس دیگری نیز در دیگر شهرهای خراسان وجود داشته‌اند که از آن جمله‌اند:

- مدرسی در بلخ و غزنین که توسط سلطان محمود غزنوی بنا شده

بودند.

- مدرسه‌ای در طابران توس، زادگاه فردوسی، که توسط «الحاتمی» دانشمند قرن ۴ تأسیس شد.

- مدرسه‌ای در سبزوار که توسط «خواجه امیرک» از بزرگان آن منطقه در قرن چهارم بنا گردید.

- مدرسه‌ای در بُست که توسط «ابوحاتم بُستی» تأسیس شد.

در خصوص مدرسه‌ی اخیر «وستنفلد» (شرق‌شناس) طی گزارشی در کتاب خود^(۱) آورده است:

«ابوحاتم بستی (م. ۳۴۵ هـ ق) مدرسه و دارالعلمی در شهر بُست بنا نهاد و کتابخانه و غرفه‌هایی برای طلاب آنجا ساخت و بودجه‌ی مالی و مقرری برای طلاب و دانشجویان غریب و تازه وارد در آن مدرسه وضع نمود.»^(۲)

گزارشهایی از این دست (گرچه بسیار موجز و کوتاه) در خصوص مدارس ایران پیش از نظامیه‌ها صحبت کرده‌اند، اما همین اندک نیز بیانگر وجود مدارس منظم و سامان یافته در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم با ویژگیهای منحصر به فرد (هر چند کوچک، ساده، محدود و ابتدایی) و امکاناتی از قبیل کتابخانه و خوابگاه و مقرری است که امر آموزش را از مسجد و مکتب‌خانه به تدریج به مدارس نظام‌مند می‌کشانیدند.^(۳)

جالب این که در حالی این مؤسسات علمی در سرزمینهای شرقی اسلام

1. Westenfled; Imam Esch, Schafii.

۲. التربية و التعليم فی الاسلام. دکتر محمد اسعد اطلس، بیروت، ۱۹۵۷ م، ص ۱۲۲.

۳. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک به: تاریخ ادبیات در ایران. دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد دوم،

و ایران بنا شده بود که هیچ مدرکی دال بر وجود و یا تأسیس چنین مدارسی در سرزمینهای غربی اسلام (مصر و اندلس) پیش از عصر ایوبیها در دسترس نیست.

«ابن خلکان» در شرح حال ناصر صلاح الدین بن ایوب آورده است: «وقتی این مرد بر دیار مصر حکومت می کرد، در مصر مدرسه‌ای وجود نداشت. او مدرسه‌ای در کنار مشهدالحسین (ع) تأسیس کرد.»^(۱)

۳ - بیت الحکمه بغداد

همزمان با دوران رو به شکوفایی مدارس ایران، در دوره‌ی اول عباسی و در زمان هارون الرشید، موجبات تأسیس یکی از مراکز مهم علمی پیش از نظامیه به نام «بیت الحکمه» در بغداد فراهم گردید و در زمان پسرش مأمون (دهه‌ی اول قرن سوم) تکمیل شد و توسعه یافت.

وظیفه‌ی عمده‌ی این مرکز - که دارای کتابخانه و رصدخانه و انجمن علمی بود -، ترجمه و استنساخ کتب از زبانهای یونانی، سریانی، پهلوی و هندی به زبان عربی بود. محققان و مترجمانی که در این مرکز مشغول بودند وظایف محوله را زیر نظر رئیس مرکز انجام می دادند و بابت آن حق الزحمه دریافت می داشتند. آثار مورد توجه برای ترجمه در این مرکز نیز اغلب در موضوعات فلسفی و علوم عقلی انتخاب می شد.

۱. وفیات الاعیان و ابناء الزمان، شمس الدین ابوالعباس احمد بن محمد برمکی ازبلی (ابن خلکان)، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، مطبعة النهضة، قاهره، ج ۶، ص

خدمت مهم فرهنگی این مرکز در آن دوران علاوه بر انتقال علوم عقلی و آثار فلسفی به مسلمانان، نظم بخشیدن به کار ترجمه بود.^(۱)

۴- جامع الازهر مصر

بزرگترین مؤسسه‌ی علمی، مذهبی پیش از نظامیه بغداد بود که در سال ۳۵۹ هـ ق در شهر قاهره بنا گردید و در سال ۳۶۱ آغاز به کار کرد و با وجود تغییرات کوچک و بزرگ، موجودیت خود را حفظ کرده است.

هدف اصلی در تأسیس این جامع، ترویج علوم دینی و اشاعه‌ی شعائر مذهبی اسماعیلیان بود. برای این منظور ۲۵ نفر از فقهای آنان به صورت ثابت در جامع حضور داشته‌اند که ضمن تأمین خوراک روزانه‌ی آنان، منازلی را نیز برای اقامت ایشان در جوار جامع الازهر ساخته بودند.

این امر بیانگر عزم راسخ اسماعیلیان در آرامش و امنیت دادن به فقهای خود برای تبلیغ و تدریس هر چه بهتر بوده است.

ساعات تشکیل حلقه‌های درس و مجادلات مذهبی در جامع الازهر در فاصله‌ی نماز ظهر تا عصر روزهای جمعه بوده است. تفاوت عمده‌ی جامع الازهر با نظامیه در تدریس فلسفه و علوم عقلی بود که با شدت و علاقه انجام می‌گرفت، ولی در نظامیه ممنوع بود.

جامع الازهر گر چه مانند نظامیه‌ها یک مرکز تبلیغی، مذهبی بود، اما هیچ‌گاه عنوان مدرسه پیدا نکرد.^(۲)

۱. ر.ک به: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دکتر نورالله کسایبی، صص

۷۸-۷۹.

۲. همان، صص ۷۹-۸۰.

۵- دارالحکمه مصر

دارالحکمه مرکز آموزشی دیگری است که در سال ۳۹۵ هـ ق توسط الحاکم خلیفه‌ی فاطمی در قاهره تأسیس گردید و مدرّسان آن فقهای جامع‌الازهر بودند که ساعاتی را نیز به تدریس در این مرکز اختصاص داده بودند. در دارالحکمه علاوه بر فلسفه و علوم عقلی، استادان دیگری نیز به تدریس قرآن، نجوم، طب و لغت می‌پرداختند.

دارالحکمه نسبت به جامع‌الازهر از تشریفات و تجملات بیشتری برخوردار بوده است و حجره‌هایی مخصوص تدریس داشته که همه مفروش و مزین به پرده بوده‌اند. ناگزیر برای اداره‌ی این امور، متولیان و فرّاشان و خدمتکارانی منصوب شده بودند.

این مرکز نیز مانند سایر مراکز علمی از وجود کتابخانه‌ای نفیس و بی‌نظیر بهره‌مند بوده و افرادی در آن به کار قرائت و استنساخ کتب مشغول بوده‌اند. ویژگی جالب دیگر دارالحکمه، رایگان بودن لوازم التحریر برای دانشجویان و طلاب بوده است.

برخی از هزینه‌های دارالحکمه از طریق درآمد موقوفاتی که توسط خلیفه در فسطاط برای آن وقف شده بود، تأمین می‌گردید. (۱)

اوضاع سیاسی، اجتماعی بلاد اسلامی همزمان با مدارس نظامیه

۱- سلطنت سلجوقیان

«تاریخ سیاسی و حوادث اجتماعی قسمت اعظم بلاد

اسلامی از نیمه‌ی اول سده‌ی پنجم با حکومت ترکان

سلجوقی بر شرق اسلام آغاز می‌شود. سیاست پادشاهان این سلسله مبتنی بر تأیید خلافت عباسی و اطاعت روحانی از خلیفه‌ی بغداد بوده است. بنابراین کمتر رویداد تاریخی را در این دوره می‌توان یافت که به علی با آل سلجوق و خلفای عباسی مربوط نباشد. به خصوص بغداد - مرکز خلافت - که با تأسیس مدرسه‌ی بزرگ و با شکوه نظامیه به عالیترین افتخارات در زمینه‌ی علمی و اجتماعی نایل آمد و بار دیگر مرکز ثقل سیاست و مذهب در جهان اسلام گردید.»^(۱)

فتوحات پر دامنه‌ی سلجوقیان، حکومت ملوک الطوائفی را در ایران از بین برد و با تسخیر دیگر بلاد اسلامی، کشوری پهناور و نیرومند تشکیل داد، اما از طرفی نابودی حکومت‌های مستقل داخلی و از بین رفتن مراکز آن - که از پناهگاه‌های علمی و ادبی بودند - لطمه‌ی شدیدی بر فرهنگ ایرانی و معارف اسلامی وارد ساخت. از سوی دیگر آنان را چنان در تعصبات دینی و فرقه‌ای غرق نمود که به هر حکومتی تن در دادند.

خلافت عباسی و مذهب تسنن که با غلبه‌ی امرای شیعی مذهب آل بویه بر بغداد در سُرف نابودی بود، با ورود ترکمانان تازه مسلمان و سنّی مذهب سلجوقی بار دیگر حیاتی تازه یافت.

سلسله‌ی سلجوقیان با سلطنت طغرل بیک (۴۵۵-۴۲۹ ه.ق) آغاز شد. وزیر وی عمیدالملک کندی (م. ۴۵۶ ه.ق) یکی از دبیران ایرانی بود که با وجود جلالت قدر و فضل و کمال، نسبت به شیعه و اشاعره تعصبی شدید داشت و همین سختگیری وی یکی از عوامل مؤثر در تأسیس مدارس

شافعیه، به ویژه مدارس نظامیه، توسط رقیب سرسخت و جانشین او، خواجه نظام الملک طوسی بود.

پس از طغرل بیک، آلپ ارسلان (۴۵۵-۴۶۵ ه. ق) به دستگیری وزیر با تدبیرش، خواجه نظام الملک، به سلطنت رسید. مهمترین اقدام آلپ ارسلان از آغاز سلطنت، برکناری عمیدالملک از صحنه‌ی سیاست و تبعید و قتل او به سعی نظام الملک در سال ۴۵۶ ه. ق بود.

«دوره‌ی ده ساله‌ی سلطنت آلپ ارسلان - که حسن تدبیر و کاردانی خواجه نظام الملک در آن سهمی بسزا داشت - در تاریخ اسلام اهمیت بسیار دارد، چه از نظر سیاسی موجبات تأسیس دولتهای سلاجقه‌ی روم و سلاجقه‌ی شام فراهم گردید و هر کدام از این سلسله‌ها در حساسترین مراحل تاریخی به یاری اسلام به پا خاستند. از نظر علمی نیز این دوره طلوعه‌ی نهضت تأسیس مدارس در شرق اسلام و رواج علوم و معارف اسلامی و ادب پارسی در آسیای صغیر بوده است.»^(۱)

پس از آلپ ارسلان، یکی از فرزندان وی به نام ملکشاه بر تخت سلطنت نشست (۴۶۵-۴۸۵ ه. ق). خواجه نظام الملک در دوره‌ی سلطنت ملکشاه نیز در پست وزارت باقی ماند و مدبرانه کشور را اداره نمود.

ملکشاه مردی خیراندیش و نیک سیرت بود و مانند وزیر کاردانش در عمران و آبادانی کشور و ساخت اماکن عام المنفعه و اعمال خیرکوشا بود. اغلب مورخان اسلامی معتقدند که تمام پیشرفت و عظمت دوران پادشاهی

ملکشاه از پرتو وجود وزیر با کفایتی چون خواجه نظام الملک حاصل گردید. خواجه سرانجام بر اثر سعایت بدخواهان و ترس ملکشاه از قدرت روزافزون او و فرزندان و ایادی وی در دستگاه سلطنت، در رمضان سال ۴۸۵ هـ ق به قتل رسید^(۱) و پنج هفته پس از آن، با مرگ مرموز پادشاه، دوره‌ی پرشکوه و جلال سه تن از سلاطین سلجوقی به پایان رسید و قدرت حکومت سلجوقی در سرایشیب ضعف و تجزیه قرار گرفت و در سال ۵۱۷ هـ ق منقرض گردید.^(۲)

۲- رواج دعوت اسماعیلیان

از دیگر وقایع مهم این دوره، گسترش دامنه‌ی تبلیغات و اشاعه‌ی مذهب اسماعیلیه بر ضد مذاهب اهل سنت و خلفای عباسی است. دعوت فرقه‌ی اسماعیلیه توسط «عبیدالله مهدی» از اواخر قرن سوم هجری آشکارا شروع گردید و با دعوت مذهبی توسط دعوات و مبلغین چیره دست در سراسر بلاد اسلامی، به ویژه ایران و عراق گسترش یافت. خلفای عباسی برای جلوگیری از پیشروی دعوت اسماعیلیه، همیشه به امرا و سلاطین سنی مذهب ایران متوسل می شدند. در دوران سلطنت سلجوقیان، خواجه نظام الملک به عنوان یک شافعی مذهب متعصب و هوادار خلافت عباسی، تمام نفوذ خود را برای ریشه کن کردن پیروان این

۱. خواجه نظام الملک پس از برکناری از وزارت، در راه بغداد، در صحنه به دست یکی از فدائیان حسن صباح (فدائیان اسماعیلیه) در رمضان ۴۸۵ هـ ق به قتل رسید. «ویراستار»

۲. همان، ص ۵-۸.

فرقه به کاربرد و در این راه از هیچ کوششی مضایقه نکرد. وی مدارس نظامیه را با آن تشکیلات وسیع بدین منظور تأسیس کرد که بتواند جلوی تبلیغات جامع الازهر را - که در اواسط قرن چهار هجری توسط فاطمیان مصر تأسیس شده بود - ، سد نماید.

سرانجام قدرت سیاسی اسماعیلیه در سال ۵۶۹ توسط صلاح الدین ایوبی منقرض گردید.^(۱)

۳- دوره‌ی تعصبات و مناقشات مذهبی

نیمه‌ی دوم قرن پنجم و سراسر قرن ششم هجری را باید عصر مجادلات مذهبی و مناقشات فرقه‌ای نامید. اختلافات عمیق فِرَق شیعه و سنی و اشعریه و معتزله و نیز برخوردهای داخلی مذاهب اربعه به ویژه پیروان شافعی و حنفی در تمام بلاد اسلامی، به خصوص خراسان و اصفهان و بغداد از مسائل رایج آن روزگار بوده است.

با تأیید و پشتیبانی ارکان دولت - که حنفی و شافعی مذهب بودند - این دوره‌ی کمال قدرت و اشاعه‌ی مذاهب اهل سنت بوده است.

عمیدالملک کندی که از حنفیان متعصب بود، با عموم شیعیان و پیروان مذهب شافعی از اهل سنت سخت دشمن بود. وی خاطر طغرل سلجوقی را بر ضد این طوایف بشوراند و دستور داد روافض و اشاعره را بر منابر خراسان لعن کنند و چنان آتش فتنه را بین مذاهب شعله‌ور ساخت که بسیاری از رؤسای شافعیه تبعید و زندانی شدند و امام الحرمین جوینی (م. ۴۷۸ هـ ق) از بزرگان ائمه‌ی شافعیه‌ی خراسان، راه حجاز را در پیش گرفت و

۱. همان، صص ۱۳-۱۶.

چهار سال در مکه و مدینه اقامت گزید.

خواجه نظام الملک هر چند به این فتنه‌ها پایان داد، اما سیاست وی در این زمینه چندان ثمربخش نبود. وی قصد داشت با حمایت از مذهب شافعی و تأسیس پایگاههایی برای پرورش مبلغین زبردست به منظور اشاعه‌ی این مذهب و محدود نمودن دامنه‌ی فعالیت سایر مذاهب، یک وحدت مذهبی در سراسر قلمرو سلجوقی و خلافت عباسی به وجود آورد که توفیق با او همراه نبود. مدارس نظامیه به جای نزدیک ساختن پیروان مذاهب، خود بزرگترین پایگاه ایجاد تشقت و تفرقه در بین مذاهب و برانگیختن احساسات مردم بودند.

مذهب تشیع که در دوره‌ی آل بویه در ایران و عراق در حال گسترش بود، در دوره‌ی سلجوقیان به شدت سرکوب گردید و نظام الملک از هیچ گونه سختگیری و شدت عمل در حق شیعیان مضایقه نکرد.

خواجه نظام الملک و تأسیس نظامیه

۱ - خواجه که بود؟

«حسن، پسر علی در سال ۴۰۸ هـ ق در نوغان از قراء رادکان طوس به دنیا آمد و در همان جا تحصیل کرد و قرآن آموخت. سپس در دیگر شهرهای خراسان؛ مثل طوس و مرو و نیشابور، عربی و فقه شافعی و حدیث یاد گرفت. از هوشمندی او در کودکی و نوجوانی اش سخن گفته‌اند. در بیست سالگی هم از علوم شرعی بهره‌ای کافی یافته بود و هم دبیری تمام و شایسته بود.

نظام‌الملک تنها در سیاست و تدبیر اهل قلم توانا نبود؛ علاوه بر آنکه در اکثر علوم صاحب وقوف و با خبر بود و همچنان که به تدبیر امور دیوان و ولایت اشتغال می‌نمود، به ترتیب سپاه و تعبیه‌ی لشکرها قیام می‌فرمود.

خواجه با روحیه‌ی مذهبی خود و نیز از طریق احترام به زهاد و علما و مشایخ و حشر و نشر با ایشان در محافل روحانی، نفوذ و حشمت فراوان کسب کرد. دستگیری مستمندان و بخشش و گشاده دستی و احداث بقاع خیر و تعیین اوقاف بر آنها نیز بر این حیثیت او می‌افزود.

اگر رواج تعصب و اعتقاد فراوان مسلمانان آن روزگار را به مسائل دینی در نظر بگیریم و به یاد بیاوریم که دین و مذهب مهمترین موضوع آن عصر بود، آن وقت اهمیت نفوذ معنوی و مذهبی نظام‌الملک را بهتر در می‌یابیم.^(۱)

مناصب حکومتی خواجه با دبیری ابوعلی بن شاذان در بلخ آغاز شد. ابوعلی پس از رسیدن به وزارت، خواجه را در خدمت خود باقی گذارد و به دبیری آلپ ارسلان گماشت. آلپ ارسلان با به دست گرفتن حکومت منطقه‌ی خراسان، خواجه را به وزیری خویش منصوب کرد (۴۵۱ ه. ق) و با سلطنت یافتن بر ممالک سلجوقی پس از عزل عمیدالملک کندری (وزیر طغرل بیک) او را به عنوان وزیر حکومت مقتدر سلجوقی انتخاب کرد (۴۵۵ ه. ق). این منصب تا ۴۸۵ ه. ق در اختیار خواجه بود تا این که در این سال بر اثر اختلاف با ترکان خاتون و سعایت مخالفان، به قولی از وزارت برکنار

۱. دیداری با اهل قلم، دکتر غلامحسین یوسفی، جلد اول، ص ۱۱۰.

شد و یا دست او را از کارها کوتاه کردند. اندکی بعد از این ماجرا، خواجه در راه بغداد به دست یکی از فداییان حسن صباح، به نام بوطاهر اَرانی، به قتل رسید. (۱)

۲- تأثیر عقاید مذهبی خواجه در تأسیس مدارس نظامیه

خواجه نظام الملک طوسی، مسلمانی متعصب بود که در فقه از شافعی و در اصول از اشعری پیروی می‌کرد. لذا به دلیل تعصب شدید از هر گونه تهمت و افترا نسبت به دیگر مذاهب ابایی نداشت و پیوسته از پادشاهان سلجوقی که حنفی مذهب و غیر متعصب بودند و نسبت به سایر مذاهب کمال تسامح را داشتند، می‌خواست که به وی اجازه دهند مخالفان مذهبی خود و دشمنان خلافت عباسی را ریشه کن نماید.

در میان مذاهب مختلف تنها به مذهب حنفی، آن هم به لحاظ رعایت احترام پادشاهان حنفی مذهب احترام ظاهری می‌گذاشت، هر چندگاه از همین احترام ظاهری هم چشم‌پوشی می‌کرد.

هدف عمده‌ی وی ترجیح مذهب شافعی و نفی مذاهب مخالف بوده است. او قصد به وجود آوردن یک سیستم مذهبی واحد بر مبنای مذهب شافعی و طریقه‌ی اشعری داشت و چون وجود پادشاهان حنفی مذهب سلجوقی و یا دیگر ارکان صاحب نفوذ دولت را (که غالباً غیر شافعی و یا شیعی مذهب بودند)، خلاف منویات خود می‌دید، به مبارزه‌ی قلمی با مخالفان برخاست و چند فصل از کتاب «سیاست‌نامه» را به خروج خرمدینان و قرمطیان و باطنیان اختصاص داد و تا آنجا که توانست از هرگونه

۱. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد دوم، ص ۹۰۵.

تهمت و افترا نسبت به شیعه و پیروان دیگر مذاهب خودداری نکرد. علی‌رغم تمامی این تمهیدات، در نیت خود به توفیقی نایل نیامد و به دست مخالفان مذهبی خود کشته شد.^(۱)

۳- دلیل انتساب خواجه به عنوان نخستین بانی مدارس در اسلام

بسیاری از مورخین و تذکره‌نویسان بر این عقیده‌اند که نظامیه‌ها نخستین مدارس تأسیس شده در اسلام هستند، در حالی که زادگاه نخستین مدارس اسلامی سرزمین خراسان و به خصوص شهر نیشابور، در نیمه‌ی اول قرن چهارم بوده است.^(۲)

به گفته‌ی مرحوم دکتر یوسفی:

«ایجاد مدارس در دنیای اسلام پیش از او سابقه داشت و او مبتکر این کار نبود، ولی به اعتقاد عموم، او نخستین کسی است که نظام جدیدی در امر تعلیم و تربیت پدید آورد و آن برقرار کردن راتبه و مقرری مرتب و تعیین مسکن برای طالب علمان بود و نیز تأمین محل سکونت و مخارج مدرّسان. در حقیقت نظامیه‌ها از مدارس شبانه روزی مجهزی به شمار می‌رفت که در آنها وسایل فراغ بال و مطالعه و تحصیل

۱. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دکتر نورالله کسایی، صص ۶۶-۶۹.

۲. ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه، بدیع الزمان فروزانفر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، ص ۱۸.

معلمان و شاگردان فراهم بود.»^(۱)

مرحوم کسایی در خصوص علت انتساب نظام‌الملک به عنوان اولین بنیانگذار مدارس اسلامی می‌نویسد:

«از متون تاریخی اسلامی و گفته‌ی غالب تذکره‌نویسان چنین بر می‌آید که تأسیس مدارس خواه به وسیله‌ی دانشمندان اسلامی و خواه از طرف شاهان و خلفا و ارکان دولت، همه جنبه‌ی خصوصی و ملی داشته است نه دولتی؛ ثانیاً تعداد آن محدود و برای تدریس یک دانشمند، یا یک فقیه و استفاده‌ی معدودی از طلاب دایر می‌شده است؛ ثالثاً راتبه و مستمری مدرّسان و طلاب اگر هم سابقه داشته، تقریباً نادر و استثنایی بوده و از محل هزینه‌ی شخصی و موقوفات خصوصی افراد خیرخواه تأمین می‌شده است. اما خواجه نظام‌الملک نخستین وزیر و رییس دولتی بود که با موافقت پادشاه وقت، در تمام شهرها و بلاد اسلامی تحت سلطه‌ی خویش مدرسه دایر نمود. به دستور او ظرف یک سال، هفتاد مدرسه در بلاد اسلامی تأسیس گردید و عشر درآمد مملکت را به تأسیس مدارس اختصاص داد. بنابراین، دعوی کسانی که نوشته‌اند خواجه نظام‌الملک نخستین کسی بود که به تأسیس مدارس در اسلام قیام نمود، کاملاً صادق و خبری قابل قبول و بدون اغراق است. چون تأسیس مدارس در سطح کشور و آن هم با هزینه‌ی دولت، تا

۱. دیداری با اهل قلم، دکتر غلامحسین یوسفی، جلد اول، ص ۱۱۲.

زمان خواجه نظام الملک امری بدیع و بی سابقه بوده است.»^(۱)

۴ - نظامیه‌های مشهور

خواجه علاوه بر نظامیه‌ی بغداد، در سایر شهرها نیز به فراخور هر شهر، مدارس کوچک و بزرگ بسیاری تأسیس نمود که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

الف) نظامیه‌ی نیشابور؛ پیش از نظامیه‌ی بغداد و به نام امام الحرمین جوینی ساخته شد. امام مذکور ۳۰ سال در این نظامیه، مجلس وعظ و مناظره داشت و ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می‌شدند. از شاگردان بنام این نظامیه، امام محمد غزالی و انوری ابیوردی بودند.^(۲) این نظامیه از نظر کیفیت و کمیت در درجه‌ی دوم اهمیت پس از نظامیه‌ی بغداد قرار داشته است.

ب) نظامیه‌ی اصفهان؛ به نام صدرالدین خجندی بنا نهاده شد، به همین دلیل آن را مدرسه‌ی صدریه هم نامیده‌اند. خواجه نظام الملک مبلغ ده هزار دینار از ضیاع و مستغلات خویش در اصفهان را وقف این مدرسه نمود.^(۳)

ج) نظامیه‌ی بصره؛ به روایت مؤلف تجارب السلف این مدرسه که از نظامیه‌ی بغداد بزرگتر و نیکوتر بوده است، در اواخر ایام المعتصم بالله، خراب شد و از مصالح ساختمانی آن، در دیگر قسمت شهر بصره، مدرسه‌ی دیگری به همین نام ساختند.^(۴)

۱. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، نورالله کسایی، ص ۷۶.

۲. دایرة المعارف فارسی، ذیل واژه‌ی نظامیه‌ی نیشابور.

۳. معارف و معاریف، ذیل واژه‌ی نظامیه.

۴. همان.

د) نظامیهی بلخ؛ از اساتید بنام آن آدم بن اسد الهروی و از شاگردان بنام آن رشید و طواط است.^(۱)

علاوه بر اینها، از نظامیه‌های مرو، هرات، ری، امل، موصل، خرگرد (خواف) و جزیره‌ی ابن عمر هم نام برده شده است که به مدد مدرّسان بنام و یا شاگردانی که بعدها به معروفیت رسیدند، نام آنها در تاریخ ماندگار شده است.^(۲)

نظامیه و ویژگیهای آن

از آنجا که اطلاعات مفصلی از همه‌ی نظامیه‌ها در دست نیست، این بخش را بیشتر براساس ویژگیهای نظامیه‌ی بغداد - که بزرگترین و مشهورترین نظامیه در بین مدارس نظامیه بوده و به عنوان مدرسه‌ی عالی و در واقع دانشگاه علوم اسلامی به شمار می‌رفته است -، استوار ساخته‌ایم.

۱- موقوفات نظامیه

بدون شک خواجه نظام‌الملک برای تحقق اهداف خویش در ساخت و اداره‌ی مدرسه‌ی بزرگی همچون نظامیه‌ی بغداد، نیازمند منابع مالی بود. خواجه این نیاز اولیه را از طریق منابع دولتی و حتی شخصی خویش تأمین نمود. اما از آن‌جا که تداوم و استمرار این مدرسه را حتی قرن‌ها پس از خود نیز پیش‌بینی می‌کرد، در صدد برآمد که هزینه‌ی نگهداری و اداره‌ی مدرسه را از محلی تأمین نماید که کمتر مورد اختلاس و تجاوز قرار گیرد. در واقع؛ محلی ثابت برای درآمد باشد. لذا در بغداد و شهرهای دیگر، بازارها، حمامها،

۱. همان.

۲. برای اطلاع بیشتر از کیفیت این نظامیه‌ها ر.ک به: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دکتر نورالله کسایی، صص ۱۵۲-۲۱۹.

املاک، دکانها و کاروانسراهایی را وقف بر نظامیه‌ی بغداد نمود تا عواید آن به مصرف اداره‌ی مدرسه برسد و حتی نظامیه‌ی بغداد را نیز به ضمیمه‌ی موقوفات آن، وقف پیروان مذهب شافعیه نمود.

از آنجا که شمار موقوفات بسیار و از نظر مکانی پراکنده بود، به دستور خواجه یک نفر به عنوان متصدی ثبت و ضبط موقوفات و اموال مدرسه در دفتری خاص، منصوب گردید. ضمن این که برای استفاده از این موقوفات شرایط و ضوابط ویژه‌ای در نظر گرفت و مسؤولین و متولیان مدرسه را ملزم به احراز آن نمود.

از شرایط ذکر شده در وقف‌نامه‌ی نظامیه‌ی بغداد این بود که کلیه‌ی کارکنان مدرسه، اعم از مدرّس و واعظ و کتابدار و قرآن‌خوان و... همه باید در اصول و فروع پیرو مذهب شافعی باشند و برای هر یک سهمی از موقوفات تعیین کرده بود. البته این شرایط بعدها دستخوش تغییرات و حیف و میل‌هایی نیز در عواید مدرسه گردید.

ابن جوزی در کتاب «المنتظم» آورده است که:

«اسعد میهنی که در سال ۵۱۷ هـ ق برای تحویل گرفتن مدرسه و نظارت بر اوقاف آن به جانشینی ابن الباقر حسی منصوب شده بود، پس از ورود به بغداد با وزیر احمد اتفاق نمود که حقوق و مستمری تعدادی از فقها را قطع کند و تنها به دویست نفر از آنها اکتفا نماید. در نتیجه اختلالی در امر تدریس پدید آمد و فقها از شرکت در مجالس درس خودداری نمودند.»

ذهبی مؤلف «تجارب السلف» نیز می‌نویسد:

«در زمان سید نصرت‌الدین بن مهدی، وزیر ناصر، خلیفه‌ی عباسی، از ده درهم حقوقی که در نصّ وقفنامه برای کتابدار مدرسه مقرر گردیده بود، بیش از سه درهم نمی‌رسیده است.»^(۱)

پس از خواجه، اداره‌ی اوقاف به دست متولیان بود که غالباً از طرف سلطان معین می‌شدند.^(۲)

۲- تشکیلات و سازمان مدارس نظامیه

شاید اصلیت‌ترین دلیل مطرح شدن نظامیه‌ها به عنوان اولین مدارس در اسلام، داشتن سازمان اداری و آموزشی منسجم و برنامه‌ریزی شده باشد. افراد مختلفی در مناصب تعیین شده در سازمان نظامیه به کارگماشته شده بودند و در قبال وظیفه‌ای که به آنها محول شده بود، از محل عیواید موقوفات، حقوق دریافت می‌کردند. شاید بتوان این سازمان به هم پیوسته را در چهار بخش اداری - مالی، خدماتی، آموزشی و فعالیتهای جنبی مورد تقسیم‌بندی و بررسی قرار داد.

در بخش اداری - مالی که در واقع می‌توان آن را حوزه‌ی ریاست نظامیه قلمداد کرد، از مشاغل و مناصب مختلف با عناوین متعدد متفاوت نام برده شده است.

- تولیت نظامیه: در رأس این حوزه، ابتدا تولیت مدرسه قرار دارد. از آنجا که نظامیه مدرسه‌ای وقفی بود، تولیتی نیز برای آن در نظر گرفته شده بود. این مقام تشریفاتی در زمان حیات خواجه بر عهده‌ی خود وی و بعد از مرگش

۱. ر.ک به: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، نورالله کسایی، ص ۱۱۵.

۲. دایرةالمعارف فارسی، ذیل واژه‌ی نظامیه.

نیز مطابق نصّ و قفنامه به فرزندان وی محوّل شده بود. پس از فرزندان خواجه نیز؛ پادشاهان، خلفا، وزرا، حکام، و احياناً قضات عهده دار این وظیفه بوده اند و وظیفه‌ی نصب و عزل رؤسای داخلی، مدرّسان، بازرسان و دیگر مسؤولان با دستور ایشان انجام می‌گرفته است.^(۱)

تولیت سایر نظامیه‌ها نیز در زمان حیات خواجه بر عهده‌ی برکشیدگان او بود و آنان این دستگاہهای مهم و مؤثر را مطابق نظر خواجه می‌گرداندند.^(۲)

- سایر مناسب حوزه‌ی ریاست: در مرتبه‌ی بعد از تولیت، معمولاً در هر مدرسه فردی به عنوان رییس یا سرپرست، بازرس (مدیران مدرسه) و مسؤول اوقاف و متصدی مخصوص دفاتر آن (به عنوان مسؤول اموال) نیز مشغول به کار بوده‌اند که گاه همه‌ی این وظایف بر عهده‌ی یک نفر و گاه بر عهده‌ی افراد مختلفی گذاشته می‌شده است.^(۳)

نکته‌ی قابل توجه در بخش اداری نظامیه این است که گاه افرادی از بخش آموزشی، همزمان عهده دار یکی از مشاغل اداری نیز بوده‌اند و یا بالعکس تغییر شغل داده‌اند. از جمله: ابوالرضا عبدالرحیم محمد بن یاسین (م. ۶۳۰ هـ ق) که ابتدا معید نظامیه بود، سپس تولیت و ریاست و نظارت بر

رتال جامع علوم انسانی

۱. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دکتر نورالله کسایی، صص ۱۱۷-۱۱۸.

۲. دیداری با اهل قلم، دکتر غلامحسین یوسفی، جلد اول، ص ۱۱۳.

۳. برای اطلاع بیشتر رک به: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، صص ۱۲۴-۱۲۲.

اوقاف مدرسه را نیز عهده دار گردید؛^(۱) یا ابوزکریا یحیی بن مفرج تکریتی ثعلبی (م. ۶۱۶ هـ ق) از ائمه‌ی مسلمین و علمای فاضل که علاوه بر تدریس، سمت بازرسی و نظارت بر اوقاف نظامیه را نیز بر عهده داشته است؛^(۲) همچنین ابوعلی یحیی بن الربیع بن سلیمان حراز واسطی بغدادی (م. ۶۰۶ هـ ق) که ابتدا مدرّس نظامیه بود و بعدها سمت مدرّسی و بازرسی اوقاف را توأمان بر عهده گرفت.^(۳)

نکته‌ی دیگر در سازمان اداری نظامیه، گماردن سرپرست موقت برای مدرسه است. سلطان سنجر در جمادی الاخر سال ۵۱۷ هـ ق حکم اداره‌ی امور مدرسه و تدریس در آن را برای ابوالفتح باقر حی (م. ۵۵۳ هـ ق) صادر^(۴) و دو ماه بعد، در شعبان همان سال اسعد میهنی (م. ۵۲۷ هـ ق) را به جانشینی وی و ریاست نظامیه بغداد منصوب می‌نماید.^(۵)

خدمتکاران و دربانان در مدارس نظامیه، گروه شغلی دیگری را در سازمان مدارس نظامیه تشکیل می‌دادند. خدمتکاران وظیفه‌ی نظافت و تهیه‌ی ملزومات مدرّسان و فقهای نظامیه و مایحتاج عمومی آنها را (از جمله سوخت و روشنایی) بر عهده داشتند.

دربانان نیز موظف به کنترل امر ورود و خروج افراد و امور انتظامی مدرسه بودند و گزارش وقایع مهم را به اطلاع مسوولان رده‌ی بالاتر می‌رساندند.

۱. طبقات سبکی، ج ۸، ص ۱۹۱.

۲. بغیة الوعاة، ص ۴۱۴.

۳. الجامع المختصر، صص ۲۹۷ و ۲۹۸.

۴. المنتظم، ج ۹، ص ۲۴۶.

۵. طبقات سبکی، ج ۷، ص ۲۰۴.

مؤلف تجارب السلف در این خصوص در شرح احوال ابوزکریا خطیب تبریزی، کتابدار و مدرّس ادب نظامیه می‌نویسد: «وی هر شب شراب خوردی و شاهد آوردی و امثال این حرکات، یکی از بواب مدرسه چنانکه رسم است، به خواجه نوشت و حال زکریا بنمود.»^(۱) از این جوزی نیز نقل است که با بستن و ممهور نمودن حجره‌ی یعقوب کاتب یکی از فقهای مجرد نظامیه پس از وفات وی، فقهای نظامیه به عنوان مخالفت شورش کردند و دربانان دو نفر از ایشان را گرفتند و زندانی کردند.^(۲)

نکته‌ی قابل توجه در این مشاغل اینکه شرط واقف نظامیه این بوده است که حتی فراشان و بواب مدرسه نیز می‌بایست شافعی مذهب باشند. این امر نشان‌دهنده‌ی انحصارگرایی کامل در انتخاب کارکنان مدارس نظامیه و یکی از ویژگیهای منحصر به فرد آن است که بالطبع محاسن و معایب خاص خود را در آن زمان داشته است.

۳- بخش آموزشی

همان‌گونه که ذکر شد دلیل اصلی نام‌گذاری نظامیه به عنوان نخستین مدارس اسلامی، سازماندهی خاص و مدوّن آن در همه‌ی بخشها، به خصوص بخش آموزش بوده است. سلسله مراتب آموزشی در سازمان مدرسه‌ی نظامیه به ترتیب عبارت بود از: مدرّسان، نایبان، معیدان و طلاب. اینک به معرفی هر یک از این مناصب پرداخته، وظایف و ویژگی‌های آنها را به اختصار مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. تجارب السلف، ص ۲۷۰.

۲. برای اطلاع بیشتر رک به: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص

تدریس در نظامیه‌ها، به خصوص مدرسه‌ی عالی بغداد افتخاری بود که بسیاری از علما و دانشمندان به دنبال کسب آن بودند. شرایط فراهم شده در نظامیه چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی، علمای بی‌شماری را بر می‌انگیخت تا شانس خود را برای تدریس در این مدرسه بیازمایند. کثرت داوطلبین و همچنین وابستگی دولتی و حکومتی مدارس نظامیه، ایجاد می‌کرد که مدرّسان آن نیز ویژگیها و شرایط خاصی را احراز نمایند تا به این کسوت و مزایای آن نایل شوند.

شرایط تدریس

نظامیه‌ی بغداد به عنوان بزرگترین و مهمترین مدرسه‌ی نظامیه برای منصب تدریس، ضوابط و شرایط خاصی داشته که تا آن زمان معمول و متداول نبوده است. مدرّسان نظامیه می‌بایست از جهات مختلف علمی، مذهبی و اخلاقی واجد شرایط لازم می‌بودند تا به افتخار مدرّسی در نظامیه‌ی بغداد نایل شوند. این امر گرچه به منصب مدرّسی نظم و نسقی خاص داد و آن را از حالت بی‌نظمی که تا آن زمان وجود داشت، رهانید؛ اما معایبی نیز داشت، به ویژه در شرط مذهب که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

- شرط علمی: احراز منصب والای مدرّسی در نظامیه‌ی بغداد تنها برای افرادی مقدور و میسر بود که در عالیترین مدارج علمی زمان خود قرار داشتند. ابواسحاق شیرازی و امام محمد غزالی نمونه‌ی این مدرّسان هستند.

- شرط اخلاقی: علاوه بر شرایط علمی، مدرّسان نظامیه می‌بایست افرادی پاکدامن، زاهد و مورد اعتماد و احترام عامه‌ی مردم و ارباب دولت

می‌بودند تا کسوت شریف مدرّسی از هر گونه شائبه و آلودگی پاک و مبرا باشد. جالب این که چنانچه کوچکترین سوءظن یا عملی مغایر با حیثیت مقام مدرّسی در مدرّسان نظامیه دیده می‌شد، بی‌درنگ از سمت خود محروم و معزول می‌شدند. «ابونصر» یکی از مدرّسان نظامیه - نواده‌ی خواجه نظام‌الملک - با وجود حرمت و نفوذ و شرف خانوادگی بانی مدرسه، تنها به جرم این که زنی شکایت نمود که ابونصر با وی ازدواج نموده و او ابتدا انکار و سپس اعتراف نمود، به سبب بدنامی و رسوایی از منصب مدرّسی معزول گردید.

- شرط مذهبی: در کنار احراز شرایط علمی و اخلاقی، شرط اصلی و مهم تدریس در نظامیه‌ی بغداد، براساس هدف بنیادی تأسیس آن، اعتقاد و پیروی از مذهب شافعی بود. این شرط دانشمندان بسیاری را که از هر حیث شایستگی تدریس در نظامیه را داشتند، از این کار محروم می‌نمود و چه بسا بسیار مدرّسانی که در حین خدمت مورد سوءظن مذهبی قرار می‌گرفتند و از ادامه‌ی کار آنها جلوگیری به عمل می‌آمد. از جمله «کیاهراسی» از مدرّسان نظامیه که به دلیل شباهت نام وی با القاب اسماعیلیه، از این منصب عزل گردید و یا فصیحی استرآبادی، مدرس ادب نظامیه، که تنها به خاطر اقرار به تشیع، از تدریس در نظامیه و استفاده از «نان و مسکن مدرسه» محروم گردید. (۱)

این امر همان طور که باعث اخراج برخی از مدرّسان شاغل در نظامیه می‌شد، افراد جاه‌طلبی را نیز بر آن می‌داشت که برای رسیدن به منصب

۱. ر.ک به: طبقات سبکی، ج ۷، ص ۲۳۳ و معجم الادبا، ج ۵، ص ۴۱۵؛ به نقل از: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۱۲۷.

تدریس در نظامیه از مذهب خود دست برداشته و خود را پیرو مذهب شافعی قلمداد نمایند. گذشته از افراد معدودی که برای رسیدن به مدرّسی نظامیه تغییر مذهب می دادند، مدرّسان نظامیه با دارا بودن جمیع صفات علمی، اخلاقی و مذهبی نمونه‌ی کاملی از یک دانشمند اسلامی به شمار می رفتند.

دانشمندان اسلامی که صلاحیت تدریس در نظامیه را احراز می کردند، از شرایط ویژه‌ای نیز برخوردار می گردیدند. از جمله این که سهم عمده‌ی عواید موقوفات به حقوق آنان تخصیص می یافت و مسکن و خوراک آنان نیز در همان مدرسه تأمین می شد؛ در واقع مورد حمایت کامل ملی و دولتی قرار می گرفتند که تا پیش از آن به صورت سازمانی و مدوّن، معمول و متداول نبود.

نکته‌ی دیگر آن که احراز مقام مدرّسی با صدور حکم از جانب متولّی و سرپرست نظامیه صورت می گرفته است و در نظامیه‌ی بغداد که در حکم یک مدرسه‌ی عالی دولتی بوده است، صدور فرمان تدریس بر عهده‌ی خواجه و یا پادشاه و خلیفه‌ی وقت بوده است و این فرمان به عنوان ابلاغ رسمی دولتی به شمار می رفته و تخطی از آن در حکم بی توجهی و مخالفت با مقررات اداری بوده است.

همان گونه که ذکر شد در سلسله مراتب آموزشی، پس از کسوت مهم مدرّسی، نایب قرار داشته است. نایب، فردی بوده که در هنگام عدم حضور و یا عدم وجود مدرّس واجد شرایط، صلاحیت و شایستگی تدریس را داشته و تا تعیین مدرّس، به صورت موقت انجام وظیفه می نموده است. پایین ترین رتبه را در سلسله مراتب سه گانه‌ی تدریس در نظامیه،

«معید» ان در اختیار داشته‌اند.

«معید»، که در اصطلاح رایج مدارس اسلامی به معنی بازگو کننده است، در مدارس نظامیه به افرادی اطلاق می‌شد که درس استاد را برای طلاب بازگو می‌کرده‌اند. وجود این افراد در هنگام کثرت طلاب در جلسه‌ی درس ضروری بوده است. این افراد دو وظیفه‌ی مهم بر عهده داشته‌اند: نخست اینکه تقریرات استاد را با صدایی رسا تکرار نمایند تا به گوش همه‌ی حاضران برسد و دیگر آنکه؛ پس از ختم درس و خروج استاد، تقریرات وی را برای طلابی که نیازمند راهنمایی بودند بازگو نمایند و آنان را در فهم مشکل و قسمت‌های پیچیده‌ی درس یاری نمایند.

در اصطلاح امروزی، معیدان در حکم دستیاران استاد بوده‌اند و از بین طلاب ممتاز برگزیده می‌شدند.

بسیاری از فقهای نظامیه ابتدا معید درس استاد بوده‌اند، سپس به نیابت از وی تدریس نموده‌اند و در اثر پیشرفتهایی که در زمینه‌های علمی نصیب ایشان شده، به مرتبه‌ی مدرّسی دست یافته‌اند.

شرایط تحصیل: انتساب نظامیه‌ی بغداد به دولت و امکان رسیدن به مقامات و مناصب اجتماعی پس از تحصیل، همچنین وجود مدرّسان عالی مقام و دانشمند و امکان کسب علوم و رسیدن به کمال، افراد بسیاری را با مقاصد گوناگون علاقه‌مند و شیفته‌ی تحصیل در این مدرسه‌ی عالی نموده بود. لذا با توجه به کثرت طالبان تحصیل، شرایط ویژه‌ای برای آنان در نظر گرفته شده بود.

نخستین شرط تحصیل طبق هدف اصلی و اساسی تأسیس نظامیه، داشتن مذهب شافعی بود. البته معایب و محاسن این شرط چنان که در

شرایط مدرّسی ذکر شد، در خصوص طلاب نیز صادق است.

شرط دیگر حضور در نظامیه، پشت سرگذاشتن مقدمات علوم به نحو احسن بود. به دلیل مطرح بودن نظامیه‌ی بغداد به عنوان مدرسه‌ی عالی علوم اسلامی، لازم بود که طلاب آن از زبده‌ترین و بهترین طلبه‌های زمان خود باشند تا بتوانند با سطح آموزشی نظامیه - که در واقع سطح تکمیلی علوم بود - خود را وفق دهند و از آن بهره‌مند گردند. طلاب پذیرفته شده در هر مقطعی از تحصیل، چنانچه از مقررات و شرایط نظامیه سرپیچی یا عدول می‌کردند، از ادامه‌ی تحصیل محروم و از مدرسه اخراج می‌شدند.

مزایای تحصیلی: مدارس عالی نظامیه به منظور تحت حمایت قرار دادن طلاب و مهیا نمودن محیطی بدون دغدغه‌های روزانه، تهیه‌ی خوراک، پوشاک و مسکن آنان را بر عهده گرفته بودند. این امر منشأ تحول بزرگی در زندگی طالبان علم شد و افرادی که تا آن زمان در راه تحصیل علم با مصائب و مشکلات فراوان رو به رو بودند، مورد حمایت اجتماعی قرار گرفتند.

ابوبکر طرطوشی (م. ۵۲۰ هـ ق) نویسنده‌ی «سراج الملوک» که خود از دانش‌آموختگان نظامیه است، می‌نویسد: «در نظامیه‌ی بغداد علاوه بر خوراک و پوشاک و مسکن، به طلاب بی‌بضاعت کمک هزینه‌ی تحصیلی نیز پرداخت می‌شد.»^(۱) کمک هزینه‌های تحصیلی که علاوه بر هزینه‌ی خوراک و پوشاک و مسکن به برخی از طلاب پرداخت می‌گردید، سالانه پانزده هزار دینار ذکر شده^(۲) که از محل عواید موقوفات تأمین می‌شده است.

۱. سراج الملوک، ص ۱۲۸.

۲. رک به: رحله‌ی ابن جبیر، ص ۲۱۶.

ویژگیهای مجالس درس نظامیه

مجالس درس در نظامیه همچون سایر برنامه‌های آن، از ویژگی و شرایط خاص و بدیعی برخوردار بوده است که نشان‌دهنده‌ی ارزش دادن به مسأله‌ی آموزش، مدرّس و انضباط خاص در درس است. برخی از این شرایط و ویژگیها - که بعدها در مدارس دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت - به شرح ذیل بوده است:

- معارفه با استادان: یکی از مراسم با شکوه و بی سابقه تا آن زمان، برگزاری مجالس جشن از طرف مدرّس جدید و تازه وارد به منظور معارفه با مدرّسان پیشین و فقهای مدرسه بوده است. نمونه‌ی برگزاری این مجالس ضیافت، در معارفه‌ی امام محمد غزالی پس از انتصاب وی به سمت مدرّسی در نظامیه‌ی بغداد صورت گرفته است.^(۱)

- خلعت مدرّسی: به هر یک از مدرّسان نظامیه هنگام انتصاب به امر تدریس، طی تشریفات خاص، خلعتی گرانمایه اعطا می‌شد که کسوت مدرّسی به شمار می‌آمد. این خلعت به قدری فاخر بود که برخی پوشیدن آن را حمل بر تجمل می‌نمودند. علاوه بر خلعت، گاه استری نیز به عنوان مرکب سواری به مدرّس اعطا می‌شده است.^(۲)

- کرسی مدرّسی: پیش از تأسیس نظامیه و حتی پس از آن، مجالس درس در مساجد، مرکب از حلقه‌هایی بود که شاگردان به دور استاد تشکیل می‌دادند و این امر به تأسی از شیوه‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص)، روشی است که در حال حاضر نیز در بسیاری از مدارس دینی معمول و متداول است.

۱. عبدالحسین زرین کوب، فرار از مدرسه، ص ۸۷.

۲. ر.ک به: بدایه، ج ۱۳، ص ۱۵۸.

ابن بطوطه در سفرنامه‌ی خود درباره‌ی نشستن استاد بر کرسی در مدرسه‌ی مستنصریه، شرحی نوشته است که بدون شک این شیوه ابتدا در نظامیه‌ی بغداد اعمال می‌شده و سپس به تقلید از آن در مستنصریه معمول شده است. ابن بطوطه می‌نویسد: استاد با طمأنینه و وقار تمام در قبه‌ی کوچکی بر فراز کرسی می‌نشست، در روی کرسی بساطی افکنده شده بود و در طرفین مدرّس دو معید بودند که هر چه را او املا کند، این دو تکرار نمایند. (۱)

- روش تدریس: مدرّس به هنگام تدریس، خلعت مدرّسی (موسوم به طرحه) را می‌پوشید و عمامه‌ای بر سر می‌نهاد و در حالی که دو معید در طرفین وی ایستاده بودند به تدریس می‌پرداخت. طلاب نیز با دقت زیاد گفته‌های استاد را به خاطر می‌سپردند. این روش بیشتر به هنگام تدریس احادیث نبوی معمول و به «سماع حدیث» معروف بوده است. در آن روش استاد چندان توجهی به کتابت طلاب نداشت، اما در روش املائی حدیث، استاد موظف بود ضبط هر کلمه را با دقت بگوید و شاگرد نیز دقیقاً آن را ضبط نماید. در صورت ابهام و یا از قلم افتادگی، دوباره توسط معیدان تکرار می‌گردید. (۲)

گونه‌ای دیگر از روش تدریس در نظامیه، مربوط به درس تفسیر ابوالخیر احمد بن اسماعیل قزوینی، از دانشمندان و فقها و وعاظ بنام بوده است. ابن جبیر اندلسی از مجلس درس وی نقل می‌کند که؛ پس از حضور استاد در محل درس و پوشیدن خلعت مدرّسی و قرار گرفتن بر کرسی استادی، آیاتی

۱. سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ص ۲۱۷.

۲. تاریخ الجامعات، ص ۱۷.

چند از قرآن مجید تلاوت و دعای مخصوصی خوانده شد. آن گاه استاد رو به جماعت حاضر نمود و گفت: دوست دارید از کدام تفاسیر تدریس کنم؟ کتابی را نام بردند. پرسید: چه آیه‌ای؟ تعیین نمودند. سپس ایشان به تدریس پرداخت و هر چه پرسیدند، جواب گفت. همین روش را در تدریس فقه نیز به کاربرد و چیزی نمی‌گفت مگر اینکه برایش تعیین نمایند و با این عمل حضار مجلس را شیفته و متوجه حضور ذهن و کثرت محفوظات خود نمود. (۱)

نکته‌ی قابل توجه در این روش - که نمونه‌ی جلسه‌ی درس در یک دانشگاه اسلامی نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری است - توجه به ظاهر استاد در برابر دانشجویان، توجه به حضور معنوی آیات قرآن و ادعیه در آغاز درس، توجه به تدریس آنچه که مورد تقاضا و پرسش ذهنی دانشجویان و دقت در کامل پاسخ دادن به شبهات آنان است.

- زبان رسمی در نظامیه: زبان رسمی تعلیم و تعلم در نظامیه‌ی بغداد، زبان عربی بوده است. البته برخی از استادان نظامیه به زبانهای دیگر نیز تسلط داشته‌اند و گاه برای توضیح بیشتر برای طلاب غیر عرب از آن زبانها بهره می‌گرفته‌اند.

تدریس به زبان عربی در نظامیه امری واجب و لازم الرعایه و تخلف از آن در حکم تخطی از مقررات مدرسه بوده است. از این جویز نقل شده است که یکی از مدرّسان نظامیه در اعتراض به دستگیری و شکنجه‌ی عده‌ای از فقها در سال ۵۴۷ و مخالفت با خلیفه، وعظ و درس را به زبان فارسی ایراد نمود که موجب بروز اختلاف و حبس و ضرب و شتم مدرّس

مزبور گردید. (۱)

- حضور بزرگان در مجالس درس: از دیگر ویژگیهای نظامیه‌ی بغداد حضور امرا و بزرگان و ارباب دولت در جلسات درس به منظور تشویق و ترغیب طلاب بوده است؛ زیرا نظامیه‌ی بغداد به منظور اجرای مقاصد سیاسی و مذهبی تأسیس شده بود و دانش آموختگان آن پس از فراغت از تحصیل، مجری اهداف و منویات دولت بوده‌اند. از جمله می‌توان از شرکت سعدالملک وزیر در رجب سال ۴۹۸ هـ ق در جلسه‌ی درس کیهان‌رسانی و همچنین انشای حدیث توسط خواجه نظام‌الملک نام برد.

- ساعات درس و ایام تعطیل: ساعات درس در نظامیه با توجه به فصول سال، کیفیت درس، مرتبه‌ی علمی استاد و اوضاع و احوال سیاسی و مذهبی متغیر بوده است. آنچه مسلم است مجالس درس مخصوص طلاب در تمام ایام هفته، غیر از روزهای تعطیل، در ساعات پیش از ظهر و بعد از ظهر دایر بوده است و روزهای جمعه نیز، فاصله‌ی بین نماز ظهر و عصر، اختصاص به املا‌ی حدیث و وعظ و خطابه به صورت عمومی داشته و شرکت در آن برای عموم آزاد بوده است. اماگاهی جلسات خصوصی طلاب از زمان مقرر تعیین شده، به دلیل مقام علمی عالی استاد تا حد امکان طولانی‌تر و حتی گاهی جلسه‌ی درس در نیمه‌های شب^(۲) نیز منعقد می‌شده است.

ایام تعطیل مدارس نظامیه نیز همچون دیگر مراکز اسلامی، روزهای جمعه و اعیاد مذهبی بوده است.

- رابطه‌ی استاد و شاگرد: رابطه‌ی معلم و متعلم در نظامیه بغداد؛ یعنی

۱. رک به: المنتظم، ج ۱، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲. طبقات سبکی، ج ۶، ص ۳۰.

کهنترین دانشگاه اسلامی، در عالیترین نمونه‌های انسانی و اخلاقی، ملهم از تعالیم عالی‌ی اسلامی در احترام به مقام معلم، تجلی کرده است. نگرش حق شناسانه و محترمانه به استاد همراه با احساس مسؤولیت و وظیفه‌شناسی و علاقه‌ای مقدس، متقابلاً از جانب استاد نسبت به شاگرد همواره در بین تربیت یافتگان مکتب اسلام و دانش‌آموختگان نظامیه وجود داشته است. این احترام عمیق تنها منحصر به دوران حیات استاد نمی‌شده، بلکه پس از وفات وی نیز با شدت ادامه می‌یافت. ابن خلکان در کتاب «وفیات الاعیان» می‌نویسد:

«وقتی ابوسعید متولی (م. ۴۷۸ هـ ق) پس از وفات ابواسحاق شیرازی بر کرسی تدریس در نظامیه نشست، طلاب استناد او را به جای ابواسحاق، استاد فقیدشان، شرط ادب ندانستند و این کار را بر وی زشت شمردند و از وی خواستند که ادب را مراعات نموده، پایین‌تر از مرتبه‌ی استاد سلف نشیند و او از کرده‌ی خویش پوزش طلبید.»^(۱)

۴ - بخش فعالیت‌های جنبی

در این بخش، که به عنوان مکمل دیگر بخش‌های سازمان مدارس نظامیه به شمار می‌رود، یک قسمت مهم وجود داشت و سه فعالیت عمده صورت می‌گرفت. قسمت مهم این بخش از مدارس، کتابخانه بوده است و فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای این بخش هم عبارت بوده‌اند از: اقامه‌ی نماز جماعت، مجالس عمومی و عظ با حضور و عاظ برجسته و حضور و فعالیت شاعران.

۱. ر.ک به: وفیات، ج ۲، ص ۳۱۴.

- کتابداران نظامیه

آن گونه که در مراکز علمی - آموزشی پیش از نظامیه‌ها نیز معمول بود، هر مرکز علمی در بدو تأسیس نسبت به تهیه کتابخانه یا دارالکتب اقدام می‌نمود. در نظامیه‌ی بغداد نیز کتابخانه‌ی مجهزی متناسب با تشکیلات وسیع و گسترده‌ی مدرسه دایر گردید و به دستور خواجه (تولیت مدرسه)، فردی به عنوان «خازن دارالکتب» یا «خازن المکتبه» (کتابدار) برای امور آن در نظر گرفته شد. کتابداران نظامیه نیز همچون استادان و معیدان و واعظان، از بین مشاهیر علما و ادبای عهد، انتخاب می‌شدند؛ از جمله خطیب تبریزی - که از مشاهیر فضلا و ادبای عصر خود بود - مدتی کتابدار نظامیه‌ی بغداد بوده است.^(۱)

کتابداری از مشاغل مصوّب در سازمان نظامیه بود و برای متصدی آن ماهانه ده دینار حقوق پرداخت می‌شد. ویژگی و رجحان کتابخانه‌ی نظامیه‌ی بغداد و دیگر کتابخانه‌های سایر نظامیه‌ها با آنچه پیش از آن وجود داشت این بود که کتب دلخواه و متناسب با دروس آموزشی، مطابق اصول صحیح کتابداری امروزی در دسترس استادان و طلاب قرار می‌گرفت. از سنتهای خوبی که با تأسیس نظامیه‌ها متداول گردید، اهدای کتاب به کتابخانه بود، ضمن این که خواجه نظام الملک هم سهم عمده‌ای از عواید موقوفات مدرسه را به خرید و استنساخ کتاب برای کتابخانه‌ی نظامیه اختصاص داده بود. تا جایی که پس از گذشت چند سال، کتابخانه‌ی نظامیه، تبدیل به گنجینه‌ای غنی از کتب نفیس خریداری شده، اهدایی و استنساخ شده گردید و به عنوان یکی از مراکز مهم تحقیق و مطالعه‌ی علوم و معارف

۱. دایرة المعارف فارسی، ذیل واژه‌ی نظامیه.

اسلامی درآمد.

- واعظان

از اوایل قرن پنجم در اثر افزایش پیروان مذاهب و بروز اختلافات فرقه‌ای؛ مجالس وعظ و سخنرانی‌های مذهبی به تدریج و در بسیاری از موارد به مجادلات و کشمکشهای مذهبی کشیده شد و جنبه‌های معنوی و اهداف انسانی خود را از دست داد.

خواجه نظام‌الملک با توجه به نقش مهم وعظ در بین طبقات جامعه، تعیین واعظ را از شروط اساسی و قفنامه‌ی نظامیه‌ی بغداد قرار داد و آنجا را پایگاه عظیم وعظ و تبلیغ فقهای شافعی نمود. توجه ارباب دولت، به ویژه شخص خواجه به واعظان و حضور در مجالس وعظ و خطابه، این فن را از مناصب مهم علمی و اجتماعی نمود.

جلسات وعظ - با اهمیتی که خواجه برای آنها در نظر گرفته بود - تبلیغی مؤثر برای نظامیه‌ی بغداد و مذهب شافعی گردید و علما و فقهای بزرگ را از شرق و غرب اسلام برای انعقاد این مجالس با شکوه به بغداد کشانید. جلسات وعظ در نظامیه‌ی بغداد توسط مدرّسان و گاه افرادی که مخصوص همین کار مأموریت یافته بودند، تشکیل می‌شد.

- شاعران نظامیه

از دیگر ویژگی‌های نظامیه، حضور شاعران در این مدارس است. تذکره‌نویسان و مورّخان به حضور شاعرانی در نظامیه‌ی بغداد اشاره کرده‌اند که به مدح و رثای دانشمندان و فقهای آنجا می‌پرداخته‌اند. این امر بیانگر دو موضوع می‌تواند باشد: نخست اینکه مدرّسان و فقهای نظامیه از آن چنان شهرت و اعتباری برخوردار بوده‌اند که همانند پادشاهان و خلفا و بزرگان،

مددوح شاعران قرار می‌گرفته‌اند و دوم اینکه؛ نظامیه علاوه بر جنبه‌های مذهبی، مجمعی برای ادبا و شعرا نیز بوده و از این گروه برای اهداف تبلیغی خود سود می‌جسته است.^(۱)

از شعرای معروف می‌توان به حضور انوری ابیوردی در نظامیه‌ی نیشابور و شیخ اجل سعدی در نظامیه‌ی بغداد اشاره کرد.^(۲)

۵- نتایج و تأثیرات علمی و اجتماعی مدارس نظامیه

بدیهی است که نظامیه‌ها با عظمت و شهرت عالمگیری که بیش از سه قرن رواج داشت، منشأ بسیاری از تحولات و خدمات و پیشرفت‌ها در دنیای اسلام شده‌اند، با این حال نمی‌توان منکر برخی تأثیرات منفی آن بر جامعه‌ی اسلامی شد که ناشی از تعصب بانی این مدارس در تبلیغ و اشاعه‌ی یکسویه‌ی مذهب شافعی بوده است.

به هر حال خلاصه‌ای از آنچه در باب ویژگی‌ها و تأثیرات نظامیه گفته شد را می‌توان در دو بخش نتایج و تأثیرات مثبت و منفی این مدارس دسته‌بندی کرد.

- پیشرفت علوم دینی، به ویژه مذهب شافعی

تعصب شدید خواجه نظام‌الملک به مذهب شافعی و حمایت سلاطین سلجوقی و خلفای بغداد - که غالباً از پیروان اهل سنت بودند - ضمن به کارگیری کلیه‌ی امکانات مادی و قدرت سیاسی در تأسیس و ترویج نظامیه، راه را برای توسعه و پیشرفت معارف مذهبی و مسائل دینی هموار نمود.

۱. ر.ک به: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۲. دایرة المعارف فارسی، ذیل واژه‌ی نظامیه.

علم خلاف که از مواد مهم درسی نظامیه‌ها بود، مدرسان و فقهای این مدارس را بر آن می‌داشت که در سایر مذاهب نیز غور و بررسی نمایند. فن خطابه و جدل و اصول و کلام نیز در نتیجه‌ی این عوامل، بسیار پیشرفت و ترقی نمود. طالبان دین با استفاده از راتبه و مستمری، به تحقیق و تفحص و تألیف کتب متعدد در این مذهب پرداختند و بهترین کتابها را درباره‌ی مذهب شافعی تألیف نمودند.

از جمله تألیفات مهم این دوره به کتاب «البرهان» امام الحرمین و «المستصفی» غزالی در اصول فقه می‌توان اشاره کرد. ضمن این که سایر کتب تألیفی امام محمد غزالی از جمله «المنتحل فی فن الجدل»، «بسیط و سبط»، «وجیز» و «خلافه» از همان زمان تألیف، از کتب مهم فقه شافعی گردید و حضور استادان ارزنده‌ای همچون امام الحرمین جوینی، ابواسحاق شیرازی، امام محمد غزالی، بسیاری از طلاب را شیفته‌ی حضور در محضر درس نظامیه‌ها نمود و چه بسیار فقهایی که به منظور استفاده از مزایای مادی و معنوی نظامیه‌ها، ترک مذهب مألوف نموده، به مذهب شافعی گراییدند.^(۱)

- نهضت تأسیس مدارس دولتی و ملی

گرچه پیش از نظام‌الملک نیز مراکزی برای تعلیم و تعلم ساخته شده بود، اما همانطور که پیشتر ذکر شد، هیچ یک از آنها عنوان مدرسه نیافت. شیوه‌ی نظام‌الملک در تأسیس مدارس نظامیه، پس از وی با اهداف مختلف موجب تأسیس مدارس گوناگون و بسیاری گردید. به طوری که در سده‌ی ششم و هفتم هجری کمتر نقطه‌ای در بلاد اسلامی یافت می‌شد که از نعمت وجود مدارس دینی بی‌بهره باشند.

۱. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.

- تأثیر در دانشگاه‌های قدیم اروپا

تأسیس نخستین دانشگاه‌های اروپایی به قرن دوازدهم میلادی باز می‌گردد؛ یعنی اندکی پس از تأسیس نظامیه‌ها، به خصوص نظامیه‌ی بغداد و سایر مدارس عالی که پس از آن به تقلید از نظامیه‌ی بغداد تأسیس شد. این مدارس نه تنها در دنیای اسلام موجب تحولی شگرف شدند، بلکه از نظر نظام اداری و آموزشی و تأثیر در برخی رشته‌های علمی، مورد استفاده و بهره‌برداری دانشگاه‌های اروپایی قرار گرفتند.^(۱)

- تجلیل از دانشمندان و مدرّسان

گرچه تجلیل و بزرگداشت مقام معلم و مربی و دانشمند در آیین مترقی اسلام از وظایف انسانی هر فرد مسلمان به شمار آمده است و این طبقه از یک نوع احترام عمیق در بین مردم برخوردار می‌باشند، با این حال با تأسیس نظامیه‌ها و نیاز شدید دولت به طبقه‌ی فقها به منظور مبارزه بر ضد تبلیغات فرقه‌ای، مدرّسان این فن از عالیترین مزایای اجتماعی برخوردار گردیدند و نفوذ عمیقی در بین مردم و خلفا و حکما پیدا کردند. تا جایی که نظرشان در غالب موارد، در رتق و فتق امور صائق بوده است.

- ضابطه‌مند شدن امر تدریس و توجه به رفاه مدرّسان و طلاب

تدریس علوم، به خصوص علوم دینی که پیش از نظامیه‌ها روشمند و ضابطه‌پذیر نبود، با تشکیل مدارس نظامیه، دارای ضوابط و شرایط خاصی شد که قبلاً سابقه نداشت و با این شرایط، تصدی تدریس برای هر کسی مقدور نبود. مدرّسان تنها از جانب پادشاه یا خلیفه و یا واقف مدرسه با

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک به: تاریخ عرب، ج ۱، ص ۵۲۶؛ علم و تمدن در اسلام، ص

۵۳ و میراث اسلام، ص ۲۲۸-۲۳۱.

صدور حکم و ابلاغ رسمی حکومتی منصوب می شدند و موظف بودند لباس مخصوص استادی بر تن نمایند و بر کرسی تدریس تکیه زنند.

زندگی و معیشت مدرّسان و طلاب نیز، که تا پیش از نظامیه‌ها در مساجد و مدارس محدود و با مشقات و نابسامانیهای فراوان توأم بود، با در نظر گرفتن مقرری و امکانات رفاهی از جمله خوراک و مسکن و پوشاک، رو به بهبود گذاشت و موجبات رفاه آنان با حمایت‌های دولتی تأمین گردید. انجام این امور در نظامیه‌ها، فتح بابی برای مدارس دیگر نیز شد.

- عدم توجه به برخی رشته‌های علمی

اگر بخواهیم از مدارس نظامیه به عنوان مدرسه‌ای عالی در تاریخ مدارس اسلامی یاد کنیم، متوجه خواهیم شد که این مدارس، هیچ‌گاه نتوانسته است مانند سایر مراکز علمی از جمله جندی شاپور و بیت الحکمه - که هر کدام خارج از انحصار مذهب، منشأ پیشرفتهای علمی و انتقال علوم جدید به اسلام شدند - نقش مؤثری ایفا نمایند و جز پرداختن به رشته‌های مذهبی، آن هم مذهب شافعی توفیقی در سایر رشته‌های علمی نداشته و این یکی از نقاط ضعف مدارس نظامیه با در دست داشتن آن همه امکانات بوده است.

در نظامیه‌ها نیز همچون سایر مدرّسی که از قرن پنجم به بعد در خراسان و سپس در عراق و سایر ممالک اسلامی ایجاد شد، تعلیم و تعلم علوم عقلی ممنوع بود و جز ادبیات و علوم دینی چیزی تدریس و تحصیل نمی شد. این امر طبعاً از رونق و رواج علوم عقلی و توجه طلاب به آنها می‌کاست. در نتیجه تحصیل‌کردگان در این مدارس از آنچه موجب روشنی و بینش و مستلزم بحث و اظهار نظر و استدلال بود، محروم بودند و با نوعی

محدودیت فکری در سطح علوم نقلی بار می‌آمدند. (۱)

- مبارزه با فلسفه و آزادی افکار

فلسفه‌ی اسلامی که در قرن سوم رواج و در قرن چهارم به وجود فارابی و یارانش پرورش یافت، در قرن پنجم با ظهور نابغه‌ی عظیم‌الشأسی چون ابوعلی سینا، به عالیترین درجه‌ی کمال خود رسیده بود، اما ورود خواجه نظام‌الملک به عرصه‌ی سیاست، سبب گردید تمام مراکز مستقلی را که پیش از وی وجود داشت و باعث آزادی بیان افکار شده بودند بی‌رونق گردند و قدرت سیاسی و علمی اسلام در بغداد و خلافت عباسی متمرکز گردد و تمام کوشش‌ها، انحصار یابد به مبارزه با تبلیغات اسماعیلیه و عقاید و آرای فلاسفه.

خواجه نظام‌الملک با تعصب در راه تبلیغ مذهب شافعی، ضمن حذف آزادی افکار در مدارس نظامیه، باعث آغاز دوره‌ی انحطاط فلسفه‌ی اسلامی گردید و در این راه آثار امام محمد غزالی و امام افضل‌الدین عمر بن علی بن غیلان سهم مؤثری در جلوگیری از نفوذ فلسفه‌ی مشائی در اسلام و بخصوص محافل اهل تسنن ایفا نمودند.

رفتار خشونت‌آمیز با فلاسفه در هرات و بغداد نمونه‌ای از فجایع صورت

گرفته نسبت به متفکران و اندیشمندان فلسفه است. (۲)

- عدم ارتباط و تبادل فرهنگی با سایر جوامع علمی

ارتباط علمی مراکزی همچون جندی شاپور و بیت‌الحکمه بغداد با علوم ایرانی و سریانی و هندی و ترجمه‌ی آنها، نقش مؤثری در انتقال علوم

۱. دیداری با اهل قلم، ص ۱۱۴ و.

۲. رک به: المنتظم، ج ۱، ص ۱۵؛ مختصر بغداد، ص ۱۰۵.

و فرهنگهای مذکور به فرهنگ نوحاسته‌ی اسلامی ایفا نمود و شاید عمده‌ی شهرت و اعتبار جهانی این مراکز علمی تنها به همین دلیل ارتباط علمی با سایر ملل بود. متأسفانه نظامیه‌ها با آن همه شهرتی که از نظر امکانات مالی و نظام اداری و حمایت دولتی داشتند، در این راه هیچ کوششی ننمودند و تعصب چشم بسته‌ی بانی این مدارس در تحدید و انحصار آن به پیروان مذهب شافعی، راه را بر پیروان دیگر مذاهب و علوم بست؛ و در حالی که می توانست با عدم انحصارگرایی، گامهای مؤثری در پیشرفت علوم در دنیای اسلام بردارد، ارمغانی جز تشدید مجادلات مذهبی و مبارزه با آزادی فکر و اندیشه نداشت.

- انحصار دانش و بهره‌گیری‌های سیاسی

بیشتر ذکر گردید که هدف از تأسیس نظامیه‌ها، تربیت افرادی بود که بتوانند پس از فراغت از تحصیل از وجودشان در مشاغل حساس دولتی و اجتماعی به نفع مقاصد دولت بهره‌برداری نمایند، که اهم آن مبارزه با پیروان سایر مذاهب، به ویژه اسماعیلیه و شیعه بود. از این رو مدارس نظامیه مطمح نظر افرادی قرار گرفت که قصدشان از تحصیل علم، نیل به مقامات دنیوی و احراز مشاغل عالی‌ی دولتی بود. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مدارس نظامیه به همان اندازه که آزادی عقیده محکوم بود، تأیید و پیروی از برنامه‌های دولت و اجرای مقاصد بانی مدارس، آب و نان و جاه و مقام به همراه داشت و این رویه جز ضربه‌ی مهلک بر اصالت علم، نتیجه‌ی دیگری نداشت.

- تشدید مجادلات مذهبی و ایجاد تفرقه در جوامع اسلامی

«بلاشر» مستشرق معروف در مقدمه‌ای بر کتاب «التربیه و التعليم

فی الاسلام» می نویسد:

«خواجه نظام الملک معتقد بود مبارزه و مقابله با تبلیغات علوی و فاطمی تنها از طریق نظامی و سیاسی ممکن نیست، بلکه باید این کار را از طریق تبلیغاتی و ایجاد مراکز علمی انجام داد. از این رو تمام مساعی خود را در راه تأسیس این مراکز مبذول داشت تا افرادی جدلی و مبرز را برای این کار تربیت نماید و بدین ترتیب به اغراض خویش نایل گردید.»^(۱)

این رجال متعصب مذهبی با تأسیس مدارس نظامیه و استثمار و تربیت دانشمندان و فقهای جدلی، آنان را بر آن می داشت که به تمایلات مذهبی و سیاسی وی رنگ علمی و منطقی بدهند تا بتواند با تکیه بر آثار و تألیفات ایشان و نیز انعقاد مجالس وعظ و خطابه، علیه دیگر مذاهب، عملاً خط بطلانی بر عقاید مذهبی مخالفان خود بکشد.

این روش نتیجه ای جز ایجاد تشتت و تفرقه بین مذاهب اربعه و فرقه های شیعه به بار نیاورد و آنان را بر آن داشت که در خفا به تقویت بنیان خویش پردازند. فداییان اسماعیلی به هر طریق ممکن انتقام خود را از خواجه و ایادی او می گرفتند و نتیجه ی آن، حکومت ترور و وحشتی بود که آسایش و آرامش را از مردم سلب نموده بود.

خواجه که با تمام قدرت قلم و قدم و بذل مال، کوشید رقیب سرسخت خود، حسن صباح را از میدان سیاست بیرون کند، خود نخستین کسی بود که قربانی تعصب خویش گردید و به دست یکی از فداییان او از پای درآمد.

۱. التریبة و التعلیم فی الاسلام، صص ۲۹-۳۰.

به هر ترتیب نظامیه‌ها با تمام محاسن و معایب خود و با همه‌ی تأثیرات مثبت و منفی که طی سه قرن بر جامعه‌ی اسلامی القا نمودند، همچنان به عنوان اولین مدارس اسلامی در تاریخ مطرح هستند و از بانی و واقف آنها، خواجه نظام الملک به عنوان فردی خیرخواه و مسلمانی متعصب با ویژگیهای مثبت یاد می‌شود که در اقصی نقاط حکومت اسلامی، مدارس اسلامی تأسیس نمود و... گذشته از هر آنچه در مورد وی گفته شد، خداوند او را در حسناتش رحمت کند و در معایب اهدافش بیامرزاد.





پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی